شهروند

شهروند کسی است که در یک شهر یا شهرستان خاص زندگی می کند.

کارلوس در اسپانیا متولد شد. وی یک شهروند اسپانیا است.

شورا

شورا گروهی از افراد است که یک شهر یا شهرستان را اداره می کنند.

شورا برای بحث در مورد قوانین جدید این شهرملاقات کردند.

اعلام

اعلام کردن به معنای گفتن رسمی چیزی است.

من عشق خود را به او اعلام کردم.

عظیم

وقتی مردم یا چیزها بسیار زیاد هستند ، بسیار بزرگ هستند.

سگ من درمقایسه با سگ شما بسیار عظیم به نظر می رسد.

خارق العاده

وقتی کسی یا چیزی خارق العاده باشد ، شگفت آور است.

آتشنشانی که دختر را نجات داد فوق العاده بود.

مه

مه ابر غلیظی است که نزدیک زمین یا آب است.

من نمی خواستم در مه غلیظ رانندگی کنم.

مراسم خاکسپاری

تشییع جنازه مراسمی است که پس از فوت شخص انجام می شود.

آنها برای سربازی که در طول جنگ کشته شد ، مراسم خاکسپاری برگزار کردند.

غول پیکر

وقتی مردم یا چیزها غول پیکر باشند ، بسیار بزرگ هستند.

کامیون غول پیکر مانع من شد.

احساس -عقیده - گمان

برداشت نوعی تفکر در مورد شخصی یا چیزی است.

اولین تصور اکثر مردم از دکتر جیانی این است که او پست است.

درآمد

درآمد به این معنی است که شخص یا شغلی چه مقدار درآمد کسب می کند.

شرکت او درآمد نسبتاً خوبی به او می دهد.

دیوانه

وقتی کسی دیوانه است ، عصبانی است.

مادر عصبانی شد وقتی که من به او گوش نکردم.

باید

اگر کسی باید کاری انجام دهد ، پس این کار درستی است تا انجام شود.

من باید کتابهای کتابخانه ام را پس بدم.

مقاومت کردن

مقاومت در برابر چیزی یعنی مبارزه با آن.

وی در برابر درمان در بیمارستان مقاومت کرد.

فاش کردن

آشکار کردن نشان دادن چیزی است.

من فاش کردم که آب نبات را کجا پنهان کردم.

خلاص شدن از شر

خلاص شدن از شر این است که مکانی را از چیزی یا شخصی آزاد کنید.

ما با استفاده از تله خانه خود را از شر موش خلاص کردیم.

شمشیر

شمشیر سلاحی تیز است.

آنها در دوران باستان در جنگ ها از شمشیر استفاده می کردند.

قصه

قصه یک داستان است.

او به دو دوست خود در مورد داستان وحشیانه روز خود گفت.

به دام انداختن

به دام انداختن مردم یا حیوانات به معنای اسیر کردن آنهاست تا نتوانند از آنجا دور شوند.

پروانه ها را در تور گرفتار کردیم.

دادرسی

دادرسی روشی است که دادگاه می تواند فرد را مجرم یا بی گناه تشخیص دهد.

او به جرم سرقت از بانک محاکمه شد.

خشن

وقتی مردم خشن هستند ، می خواهند کسی را آزار دهند.

این مرد را به دلیل خشونت به زندان انداختند.

مدت ها پیش اولین کارم را داشتم. درآمد زیادی به من نمی داد. در یک کشتی غول پیکر دزد دریایی بود. شب اولم مه غلیظی بر روی آب وجود داشت. چراغی که در کشتی بود ، مرد عظیمی را آشکار کرد. او در کمربند خود شمشیری داشت. نام او ریش سیاه بود و او یکی از خشن ترین دزدان دریایی تاکنون بود.

یک روز ، ریش سیاه کار خارق العاده ای انجام داد. او به چندین کشتی در نزدیکی یک شهر حمله کرد. او برخی از شهروندان شهر را برد. سپس او اعلام کرد ، "تو به من دارو می دهی!" ریش سیاه برای برخی از دزدان دریایی بیمار در کشتی خود دارو می خواست.

مردم برداشت بدی از او داشتند. آنها دیوانه بودند ، و مقاومت کردند. اما آنها به دام افتاده بودند. آنها می خواستند از شر او خلاص شوند. بنابراین شورای شهر تصمیم گرفت دارو را به او بدهد.

پس از این ، جایزه گرفتن ریش سیاه بود. اگر ریش سیاه گرفته می شد ، محاکمه می شد. او نمی خواست به زندان برود ، بنابراین دزد دریایی را ترک کرد.

ریش سیاه ماهیگیر شد. اما او باید در خشکی می ماند. نیروی دریایی سلطنتی هنوز به دنبال او بود. آنها هنگامی که در قایق خود در حال ماهیگیری بود به او حمله کردند. ریش سیاه علیه بسیاری از مردان جنگید. سرانجام ، او کشته شد. او حتی یک مراسم خاکسپاری هم نگرفت. اما مردم هنوز هم سالها بعد درباره او قصه می گویند.